

Factor structure, Validity and Reliability of the Maternal Emotional Styles Questionnaire (MESQ)

ساختار عاملی، روایی و پایایی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه

Hamideh Soleimani. M.A.

University of Shiraz

Layya Bashash. Ph.D.

University of Shiraz

حمیده سلیمانی*

کارشناس ارشد دانشگاه شیراز

لعیا بشاش

دانشگاه شیراز

Abstract

چکیده

This research intends to examine the psychometric properties of the Maternal Emotional Styles Questionnaire (MESQ) amongst mothers. The research method was descriptive-survey and validation through developing an instrument and reliability assessment. The sample consisted of 400 mothers selected by cluster multi-stage random sampling method. Measuring instruments were the Maternal Emotional Styles Questionnaire (MESQ) (Lagacé-Séguin & Copla, 2005), and Strength, and Difficult Questionnaire (SDQ) (Goodman, 1997). Data analysis was done using SPSS and Amos software's version 16. The (MESQ) demonstrated high internal consistency. A re-administration of the measure 1 month later yielded high correlation ($P < 0.001$). The scale was assessed using factor analysis and principle component method ($KMO = 0.78$). In total, these two factors accounted for 45.44% of the total variance. Confirmative factor analysis approved the results of exploratory factor analysis. In addition, this model was found fit with the data. Pearson's correlation between (MESQ) and (SDQ) were respectively confirming their convergent and divergent validity. Results of this study showed that Farsi version of (MESQ) has good psychometrics particularity in measuring mother's emotional styles.

Keywords: emotional styles scale, mother, validity, reliability, factor Analysis.

پژوهش حاضر با هدف بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه (MESQ) در بین مادران انجام گرفته است. روش تحقیق مطالعه انجام شده، توصیفی - پیمایشی از نوع ابزارسازی و اعتبارسنجی بود. نمونه پژوهش شامل ۴۰۰ نفر از مادران بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. پرسشنامه‌های پژوهش، مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه (MESQ) (لاگاسه سگوین و کاپلان، ۲۰۰۵) و مقیاس توانایی‌ها و مشکلات (SDQ) (گودمن، ۱۹۹۷) بود. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS₁₆ و AMOS استفاده گردید. ضرایب همسانی درونی مقیاس (MESQ) در حد بالایی به دست آمد. محاسبه ضریب آزمون - بازآزمون به فاصله یک ماه مطلوب و بالا بود ($P < 0/001$). آزمون KMO برابر با ۰/۷۸ و در سطح مطلوب بود و آزمون کرویت بار تلت از نظر آماری معنادار بود. دو عامل مقیاس، ۴۵/۴۴ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین کردند. تحلیل عامل تأییدی، نتایج حاصل از تحلیل عامل اکتشافی را تأیید کرد و مدل به دست آمده با داده‌های پژوهش برازش داشت. همچنین همبستگی معنادار نمرات پرسشنامه MESQ با نمرات پرسشنامه SDQ روایی همگرا و واگرایی مقیاس را تأیید کرد. یافته‌های پژوهش نشان داد که نسخه فارسی مقیاس MESQ در اندازه‌گیری سبک‌های هیجانی مادرانه از خصوصیات روان‌سنجی قابل قبولی برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: مقیاس سبک‌های هیجانی، مادر، روایی، پایایی، تحلیل عاملی

*. نویسنده مسؤول؛ شیراز، میدان ارم، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه آموزشی کودکان استثنایی.

پست الکترونیک (رایانامه): hamideh.soleimani@hotmail.com

وصول ۹۰/۱۱/۱۹ پذیرش ۹۱/۳/۲۷

مقدمه

در چند دهه اخیر تحقیقات درباره تأثیر هیجان^۱ والدین بر اجتماعی شدن کودکان افزایش یافته است (بالبی^۲، ۱۹۸۲؛ دنهام^۳، ۱۹۹۸). امروزه در عرصه دیدگاههایی که کوشش می‌کنند به فهم بهتر زندگی روانی، تحول هیجانی و چگونگی پدیدآیی اختلالات کودکان دست یابند، نظریه‌هایی که محور اصلی را رابطه مادر- کودک می‌دانند، جایگاه وسیع و خاصی دارند، زیرا این نظریه‌ها عناصری را یافته و عرضه کرده‌اند که در درک وضعیت هیجانی و مشکلات کودک نقش بنیادی ایفا می‌کنند (رامسدن و هابارد^۴، ۲۰۰۲).

گاتمن، فینزلیبر- کاتز و هوون^۵ (۱۹۹۶، ۱۹۹۷) درباره رشد و گسترش تحقیقات در زمینه سهم هیجانات والدین، مفهوم «فرا- هیجان»^۶ را مطرح کردند. «فرا- هیجان» شامل احساسات و شناخت هیجانات فردی^۷ و بین فردی^۸ است. فرا- هیجان به این امر اشاره دارد که وقتی والدین دانش هیجانی را برای خود و فرزندشان درونی کنند و یا این دانش را درونی نکنند، در واقع دو سبک هیجانی را نشان می‌دهند. این سبک‌های هیجانی عبارت‌اند از:

۱) سبک آماده‌سازی هیجانی^۹: این سبک به آگاهی والدین از هیجانات خود و کودک مربوط می‌شود. این سبک نقش مهمی را در اجتماعی شدن کودک ایفا می‌کند. در این سبک هیجانی، والدین از هیجانات خود آگاهی دارند و می‌توانند به شیوه‌های متفاوتی با کودک صحبت کنند. همچنین نسبت به هیجانات کودک نیز آگاهی دارند و آن را مورد توجه قرار می‌دهند. این سبک هیجانی علاوه بر توجه به هیجانات کودک، فرصتی را برای صمیمیت^{۱۰} و ایجاد تاب‌آوری^{۱۱} در برابر هیجانات منفی^{۱۲} در کودک ایجاد می‌کند. بنابراین ادراک والدین از این سبک هیجانی در شیوه فرزندپروری^{۱۳} نقش مهمی را ایفا می‌کند. این امر باعث حساسیت^{۱۴} و پاسخدهی مناسب و توجه به هیجانات کودک و استفاده از موقعیت‌های هیجانی به صورت مفهومی

می‌شود. به عنوان مثال سبک آماده‌سازی هیجانی در زمان گوش دادن به کودک، تأکید بر کلمات عاطفی و آرامش‌بخش، کمک به کودک، نامگذاری هیجانی برای ادراک احساسات دیگران، تنظیم هیجان^{۱۵} و بیان هیجانی^{۱۶} قابل پذیرش برای حل مسأله به کار می‌رود (هوون، گاتمن و فینزلیبر- کاتز، ۱۹۹۵؛ گاتمن، فینزلیبر- کاتز و هوون، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷؛ فینزلیبر- کاتز، گاتمن و هوون، ۱۹۹۶؛ گاتمن و دکلیبر^{۱۷}، ۱۹۹۷؛ لاگاسه - سگوین و کاپلان^{۱۸}، ۲۰۰۵).

۲) سبک طردکننده هیجانی^{۱۹}: این سبک به کمبود آگاهی والدین از هیجانات خود و کودک مربوط می‌شود. این سبک هیجانی باعث کاهش توانایی‌های هیجانی، ترس هیجانی کنترل نشده، بی‌اطلاعی از راهبردهای ارجاع‌دهنده به هیجانات منفی و مهارت‌های ضعیف در کودک می‌شود (گاتمن، فینزلیبر - کاتز و هوون، ۱۹۹۶). بنابراین در سبک طردکننده هیجانی والدین هیجانات را طرد و تلاش می‌کنند کودک را سریع‌تر از هیجانات منفی دور کنند. همچنین تلاش می‌کنند به کودک اطمینان دهند که احساسات منفی همیشه به سرعت رخ می‌دهد، بدون اینکه تأثیر پایداری داشته باشد. کودکانی که والدینی با این سبک هیجانی دارند، هیجانات منفی را بدون اعتبار تلقی می‌کنند و آن را تحت تأثیر محیط می‌دانند (هوون، گاتمن و فینزلیبر- کاتز، ۱۹۹۵؛ فینزلیبر- کاتز، گاتمن و هوون، ۱۹۹۶؛ گاتمن و دکلیبر، ۱۹۹۷).

تحقیقات متعددی تأکید می‌کنند که بین سبک هیجانی مادر با افزایش اطمینان کودک از احساسات، تنظیم هیجان، کفایت اجتماعی^{۲۰} و مهارت‌های حل مسأله^{۲۱} رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. سبک آماده‌سازی هیجانی باعث افزایش خودپنداره^{۲۲}، عملکرد مناسب در پیشرفت تحصیلی^{۲۳} و روابط مناسب با گروه همسالان می‌شود. بین سبک آماده‌سازی هیجانی و انطباق اجتماعی کودک، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین سبک طردکننده هیجانی با سازگاری

1. emotion

3. Denham

5. Gottman, Fainsilber-Katz & Hooven

7. personal

9. emotion coaching style

11. resilience

13. parenting

15. emotion regulation

17. Declaire

19. emotion dismissing style

21. problem solving

23. academic achievement

2. Bowlby

4. Ramsden & Hubbard

6. meta-emotion

8. interpersonal

10. intimacy

12. negative emotion

14. sensitively

16. emotion expressive

18. Lagacé-Séguin & Coplan

20. social competence

22. self-concept

در رابطه با تأثیر جنسیت و هیجان‌ات مادر تحقیقات بسیار محدودی انجام شده است، اما در همین زمینه فی‌وش^{۱۳} (۱۹۹۱)، آدامز، کوبلی، بویل^{۱۴} و فی‌وش (۱۹۹۵) معتقدند، بین گفت‌وگوی هیجانی - عاطفی و جنسیت کودک تا سالهای دبستان تفاوتی وجود ندارد. بنابراین سن کودک و بافتی که در آن هیجانی - عاطفی اتفاق می‌افتد از عوامل مهمی هستند که بر روی تفاوت‌های جنسیتی و بیان هیجانی مادر-کودک تأثیر می‌گذارند.

به‌طور کلی مادر نقشی اساسی در جسارت بخشیدن به کودک برای داشتن رفتاری مناسب و خودداری از رفتار نامناسب به عهده دارد. امروزه روان‌شناسان و روانپزشکان و سایر متخصصان کودک بر این‌گونه روابط کودک با کسانی که مراقبت از آنها را بر عهده دارند، بسیار تأکید کرده‌اند و این کنش‌های متقابل را اساس عمده رشد هیجانی، اجتماعی و شناختی کودکان می‌دانند. بدون تردید مادر در سلامت روانی، احساس ایمنی و تحول اجتماعی کودک نقش بسزایی ایفا می‌کند، زیرا مادری که از تعاملات مثبت بیشتری در روابط با کودک خود استفاده می‌کند، قادر است احساس شادی، آرامش، اعتماد، احساس تعلق و دیدگاه مثبت خویش را درباره خود، دنیا و دیگران به کودک منتقل سازد (ریز^{۱۵}، ۲۰۰۸). اما با وجود چنین یافته‌هایی هنوز در این زمینه خاص در ایران تحقیقی صورت نگرفته است. در حالی که به نظر می‌رسد چنین پژوهش‌هایی از نظر بهداشت روانی مادر-کودک بسیار اهمیت دارند، چرا که به بسیاری از معضلات در زمینه پیشگیری از تأثیر مشکلات مادر-کودک پاسخ می‌دهند و لزوم استفاده از خدمات روان‌شناسی و مشاوره برای بهبود مشکلات روان‌شناختی مادر و جلوگیری از تأثیر آنها بر شکل‌گیری شخصیت کودک را متذکر می‌شوند. در این میان شناسایی برخی از این عوامل گفته شده مؤثر است تا از این طریق بتوان خانواده‌ها را در مسیر صحیح روابط متقابل مادر-کودک هدایت نمود. با توجه به اینکه تحقیقات اندکی در خصوص سبک‌های هیجانی مادرانه به‌عنوان سازه تأثیرگذار در پرورش کودکان در خانواده وجود دارد و مادر نقش مهمی را در

کودک رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد (گاتمن، فینزلبر - کاتز و هوون، ۱۹۹۷؛ گاتمن و دکلیز، ۱۹۹۷؛ لاگاسه - سگوین و کاپلان، ۲۰۰۵). به‌طور کلی تحقیقات نشان می‌دهند بین هیجان‌ات منفی مادر و مشکلات رفتاری^۱ و بین هیجان‌ات مثبت مادر با رفتارهای مطلوب اجتماعی در کودکان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد (ایزارد، فینی، مستو، ترنتاکوستا و کمپبل^۲، ۲۰۰۲؛ ریور^۳، ۲۰۰۴؛ لاگاسه - سگوین و کاپلان، ۲۰۰۵؛ هافمن، سرنیک و بیکر^۴، ۲۰۰۶؛ ورهوون، جانگر، ون آکن، دیکویک و ون آکن^۵، ۲۰۰۷؛ دونسموری، هر، هالبرستادت و پریز - ریورا^۶، ۲۰۰۹). همچنین سبک‌های هیجانی پیش‌بینی‌کننده افسردگی، پرخاشگری و رفتارهای غیراجتماعی از جمله اضطراب و بیش‌فعالی (لاگاسه - سگوین و د'انتریمونت^۷، ۲۰۰۶)، عواطف منفی کودک (لاگاسه - سگوین و د'انتریمونت، ۲۰۰۶)، مهارت‌های مقابله‌ای و خلق و خو در اوایل دوره نوجوانی (لاگاسه - سگوین - و گیونت^۸، ۲۰۰۹)، کفایت هیجانی - اجتماعی کودک (بروفی - هرب، اسکیفمن، لاندن باکنک، دیویوس، فیتزجرالد و همکاران^۹، ۲۰۱۱) بوده است. نتایج پژوهش هواپرست، ویلسون، هارلی، پرایر و کهو^{۱۰} (۲۰۱۰) نشان داد که برنامه‌های مداخله برای آموزش والدین در بهبودبخشی سبک‌های پاسخدهی والدین به کودک، نقش مهمی در خودآگاهی و رفتار کودک دارد. پژوهش‌ها گویای آن است که آموزش والدین بر کاهش مشکلات رفتاری فرزندان تأثیر معناداری دارد (ترک‌لادانی، ملک‌پور و گلپرور، ۱۳۸۷).

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مادر-کودک از جمله متغیرهایی است که ممکن است، تأثیر معناداری بر رابطه مادر-کودک داشته باشند. در همین زمینه تحقیقات فلانگان، بیکر-وارد و گراهام^{۱۱} (۱۹۹۵)؛ فلانگان و پریسی^{۱۲} (۱۹۹۸)؛ بروفی-هرب و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهد، بین تعاملات و گفت‌وگوهای مادر-کودک با وضعیت اقتصادی-اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مادرانی که وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتری دارند، نسبت به مادرانی که از وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری برخوردارند، ارجاعات هیجانی-عاطفی بیشتری را در تعاملات با فرزندشان نشان می‌دهند.

1. behavior problem

3. Raver

5. Verhoeven, Junger, van Aken, Dekovic & van Aken

7. d'Entremont

9. Brophy-Herb, Schiffman, London Bocknek, Dupuis, Fitzgerald & et al

10. Havighurst, Wilson, Harley, Prior & Kehoe

12. Perese

14. Adams, Kuebli & Boyle

2. Izard, Fine, Mostow, Trentacosta & Campbell

4. Hoffman, Crnic & Baker

6. Dunsmore, Her, Halberstadt & Perez-Rivera

8. Gionet

11. Flannagan, Baker-Ward & Graham

13. Fivush

15. Rees

به شرکت در مطالعه بود. همچنین به همه آزمودنی‌ها اطمینان داده شد که پاسخ‌های آنان محرمانه خواهد بود. پرسشنامه‌هایی که به‌طور کامل تکمیل نشده بودند، در پژوهش حاضر مد نظر قرار نگرفتند.

ابزار سنجش

مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه^۲ (MESQ)؛ برای سنجش سبک‌های هیجانی مادر در رابطه با فرزند طراحی شده است. این مقیاس خودگزارشی است و شامل ۱۴ گویه است. برای نمره‌گذاری هر گویه، درجه‌ای بین ۱-۵ (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) به هر آزمودنی تعلق می‌گیرد. این پرسشنامه شامل دو مؤلفه است. مؤلفه‌های این مقیاس شامل: ۱- سبک آماده‌سازی هیجانی (هنگامی که فرزند ناراحت است، زمان حل مشکلات است) و شامل ۷ گویه است؛ ۲- سبک طردکننده هیجانی (هنگامی که فرزند عصبانی است، هدف من این است که او را از عصبانیت باز دارم) و شامل ۷ گویه است (لاگاسه - سگوین و کاپلان، ۲۰۰۵).

نسخه اولیه این مقیاس شامل ۴۵ گویه است. سازندگان مقیاس، آن را بر روی ۱۰۴۰ مادر مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحلیل عوامل^۳ به روش مؤلفه‌های اصلی^۴ و چرخش واریماکس^۵، وجود دو عامل در گویه‌ها را تأیید نموده است. یافته‌های به‌دست آمده نشان داد که از بین ۴۵ گویه، ۷ گویه مربوط به سبک آماده‌سازی هیجانی بود که ۳۷/۳ درصد از واریانس را تبیین می‌کرد. بار عاملی به‌دست آمده برای این سبک بین ۰/۸۳ تا ۰/۸۸ بود. ۷ گویه مربوط به سبک طردکننده هیجانی بود که ۳۰/۱ درصد از واریانس را تبیین می‌کرد. بار عاملی به‌دست آمده برای این سبک بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۰ بود. در مجموع این دو عامل ۶۷/۴ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. ۳۱ گویه دارای بار عاملی پایینی بودند که در نتیجه این گویه‌ها را سازندگان مقیاس از مجموع گویه‌های پرسشنامه حذف کردند (لاگاسه - سگوین و کاپلان، ۲۰۰۵).

به‌منظور تعیین پایایی مقیاس از روش آلفای کرونباخ^۶ استفاده گردیده است که سازندگان مقیاس برای سبک آماده‌سازی هیجانی و سبک طردکننده هیجانی به ترتیب ضرایب ۰/۹۲ و ۰/۹۰ را به‌دست آوردند. با استفاده از روش بازآزمایی^۷، مقیاس برای اجرای مجدد در اختیار ۶۴ نفر از

سلامت روان کودک ایفا می‌کند، در پژوهش حاضر به بررسی ساختار عاملی، روایی و پایایی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه پرداخته شده است.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه؛ روش پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی از نوع ابزارسازی و اعتبارسنجی بود. فرایند آماده‌سازی و استفاده از پرسشنامه‌ای که در فرهنگ دیگری به وجود آمده مستلزم ترجمه و بازترجمه‌های متعددی است که به‌منظور کسب اطمینان از معادل بودن مفاهیم پرسشنامه اصلی با پرسشنامه ترجمه‌شده صورت می‌گیرد. برای بررسی روایی محتوایی^۱، ترجمه و آماده‌سازی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه (MESQ) این گام‌ها برداشته شد: (۱) دو نفر (متخصص زبان انگلیسی) به‌طور جداگانه پرسشنامه اصلی را از زبان انگلیسی به زبان فارسی ترجمه کردند. این دو ترجمه را نویسندگان مقاله و استادان روان‌شناسی با یکدیگر مقایسه نمودند؛ (۲) دو نفر (متخصص زبان انگلیسی) به‌طور جداگانه متن را از زبان فارسی به زبان انگلیسی ترجمه کردند. این دو ترجمه را نویسندگان مقاله و استادان روان‌شناسی با یکدیگر مقایسه کردند. این ترجمه با ترجمه اصلی مقایسه شد و تفاوت چندانی بین نسخه بازترجمه و نسخه اصلی وجود نداشت. در پایان نسخه فارسی (MESQ) تهیه گردید. همچنین در مطالعه مقدماتی، نسخه فارسی مقیاس در میان ۱۰ نفر از مادران به‌طور آزمایشی به‌کار برده شد و از قابلیت کاربرد آن اطمینان حاصل گردید.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل همه مادران دانش‌آموزانی بود که در تمامی مدارس مقطع ابتدایی وابسته به سازمان آموزش و پرورش عادی شهر شیراز در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. نمونه پژوهش، شامل ۴۰۰ نفر از مادران بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. با توجه به اینکه ۴ ناحیه در شیراز وجود دارد، یک مدرسه از هر ناحیه به‌صورت تصادفی انتخاب گردید. با معرفی مدارس، کلاس‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب شد و همه مادران هر کلاس در پژوهش شرکت کردند. معیارهای ورود نمونه آماری به پژوهش، رضایت و تمایل به همکاری در پژوهش و معیارهای خروج نمونه و تمایل نداشتن

1. content validity
3. factor analysis
5. varimax rotation
7. test-retest reliability

2. Maternal Emotional Styles Questionnaire (MESQ)
4. Principal Component Analysis (PCA)
6. cronbach's alpha

شهریور، پاکباز، رضایی و احمدی، ۱۳۸۵؛ قره‌باغی و آگیلار - وفایی، ۱۳۸۸؛ غنی‌زاده و ایردپناه، ۲۰۰۷). لازم به ذکر است در این پژوهش از نسخه والدین استفاده گردیده است.

روش اجرا و تحلیل

به‌منظور سنجش ساختار عاملی، روایی و پایایی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه (MESQ) و همچنین بررسی نتایج پژوهش با استفاده از نسخه^{۱۶} نرم‌افزار SPSS^{۱۱} روش‌ها و تحلیل‌های آماری زیر به‌کار گرفته شد:

- ۱- همخوانی درونی و همبستگی گویه - نمره^{۱۷} کل: به‌منظور سنجش همخوانی گویه‌های مقیاس با نمره^{۱۷} کل مقیاس در این پژوهش از محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد. همچنین گویه‌های مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه باید با سایر گویه‌ها و هر یک از گویه‌ها با مؤلفه^{۱۸} مربوطه همبستگی داشته باشد.
- ۲- تکرارپذیری در دفعات آزمون: برای به‌دست آوردن تکرارپذیری آزمون - بازآزمون، ثبت داده‌ها برای بار دوم در فاصله یک‌ماه بعد از اولین ثبت داده‌ها صورت پذیرفت. در بررسی آزمون - بازآزمون به هر دو روش همبستگی با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون در دو بار سنجش نمونه استفاده شد.
- ۳- برای ارزیابی تحلیل عامل اکتشافی مقیاس، از روش تحلیل عاملی استفاده گردید. در تحلیل عامل، ارزیابی‌های مادران وارد تحلیل عامل اصلی^{۱۳} (PFA) و تحلیل عامل مؤلفه‌های اصلی (PCA) شدند و با روش چرخش واریماکس مورد سنجش قرار گرفتند.
- ۴- پس از انجام تحلیل عامل اکتشافی، به‌منظور تأیید عامل‌های استخراج شده مقیاس، مدل تحلیل عاملی با کاربرد نرم‌افزار (AMOS) نسخه^{۱۶} مورد بررسی قرار گرفت.
- ۵- برای بررسی روایی سازه^{۱۹} مقیاس، میزان همبستگی مؤلفه‌های مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه با پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات (SDQ) مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها

نمونه این پژوهش را ۴۰۰ نفر از مادران تشکیل دادند که میانگین سنی برای گروه مادران $2/64 \pm 33/43$ با دامنه سنی ۵۰-۲۴ سال، و میانگین سنی فرزندان آنها برای گروه پسران

اعضای گروه نمونه قرار گرفت. ضریب بازآزمایی برای سبک آماده‌سازی هیجانی و سبک طردکننده هیجانی از طریق بررسی همبستگی بین نمرات صورت گرفت که به ترتیب ۰/۵۳ و ۰/۵۸ به‌دست آمد. روایی سازه^{۱۹} این مقیاس با استفاده از پرسشنامه رفتار کودک^{۲۰} (روت‌هابارت^۳، ۱۹۹۶) که برای سنجش تنظیم هیجانات^{۲۱} کودکان کاربرد دارد، بررسی شده است. نتایج نشان داد که بین سبک آماده‌سازی هیجانی با رفتارهای مطلوب اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک طردکننده هیجانی با پرخاشگری، رفتارهای اضطرابی و رفتارهای تکانشی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد (لاگاسه سگوین و کاپلان، ۲۰۰۵). در کل نتایج به دست آمده نشان می‌دهند، روایی و پایایی این مقیاس در سطح مطلوب و مناسبی است.

این مقیاس در مطالعات لاگاسه - سگوین و دانتزیمونت (۲۰۰۶)؛ لاگاسه - سگوین و سگوین و دانتزیمونت (۲۰۰۶)؛ لاگاسه - سگوین - و گیونت (۲۰۰۹)؛ هوایرست، ویلسون، هارلی، پرایر و کپو (۲۰۱۰)؛ بروفی - هرب، اسکیفمن، لاندن باکنک، دیویوس، فیتزجرالد و همکاران (۲۰۱۱) مورد بررسی قرار گرفته است.

پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات (SDQ): شامل نسخه والدین و آموزگار است و ۲۵ گویه دارد. این مقیاس یک ساختار ۵عاملی برای سنجش مشکلات رفتاری - هیجانی و رفتارهای اجتماعی کودکان ارائه می‌کند. این مقیاس دارای ۴ مؤلفه مرتبط با مشکلات، نشانه‌های هیجانی^{۲۲} (اغلب از سردرد و دل‌درد و یا حالت تهوع شکایت دارد)، مشکلات سلوک^{۲۳} (اغلب دروغ می‌گوید یا حقه‌بازی می‌کند)، بیش‌فعالی / کمبود توجه^{۲۴} (بی‌قرار است و نمی‌تواند مدت زیادی یک‌جا آرام بگیرد) و مشکلات ارتباطی با همسالان^{۲۵} (اغلب با بچه‌های دیگر می‌جنگد و به آنها زور می‌گوید) و یک مؤلفه توانایی، رفتار مطلوب اجتماعی^{۲۶} (حداقل یک دوست خوب دارد) است. از مجموع نمرات ۴مؤلفه مرتبط با مشکلات، نمره^{۲۷} کل مشکلات به‌دست می‌آید. ۵ گویه به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برای نمره‌گذاری هر گویه، درجه‌ای بین صفر تا دو (کاملاً درست است، تا حدی درست است، نادرست) به هر آزمودنی تعلق می‌گیرد (گودمن^{۱۱}، ۱۹۹۷). روایی و پایایی این مقیاس در مطالعات متعددی در ایران مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است

1. construct validity

3. Rothbart

5. Strength and Difficult Questionnaire (SDQ)

7. conduct disorders

9. peer problem

11. Goodman

13. Principal Factor Analysis (PFA)

2. Child Behavior Questionnaire (CBQ)

4. emotion regulation

6. emotional problem

8. hyperactivity

10. prosocial behavior

12. Statistical Package for Social Sciences (SPSS)

سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. همخوانی درونی و تکرارپذیری در دفعات آزمون برای این مقیاس مطلوب و مناسب بود. برای بررسی همبستگی گویه - نمره کل از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. ضرایب همبستگی در گروه دختران برای سبک آماده‌سازی هیجانی در دامنه‌ای بین ۰/۲۶ تا ۰/۶۸ و برای سبک طردکننده هیجانی در دامنه‌ای بین ۰/۲۳ تا ۰/۷۱ بود. ضرایب همبستگی در گروه پسران برای سبک آماده‌سازی هیجانی در دامنه‌ای بین ۰/۳۲ تا ۰/۷۴ و برای سبک طردکننده هیجانی در دامنه‌ای بین ۰/۱۱ تا ۰/۷۱ بود. ضرایب همبستگی در کل گروه نمونه برای سبک آماده‌سازی هیجانی در دامنه‌ای بین ۰/۲۸ تا ۰/۶۹ و برای سبک طردکننده هیجانی در دامنه‌ای بین ۰/۱۹ تا ۰/۶۴ بود. همگی این ضرایب در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار بودند.

(۲۰۰ نفر) $1/87 \pm 9/72$ با دامنه سنی ۱۲-۷ و برای گروه دختران (۲۰۰ نفر) $1/98 \pm 9/10$ با دامنه سنی ۱۲-۷ بود. در ادامه به بررسی روایی و پایایی مقیاس پرداخته شده است.

پایایی مقیاس

پایایی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه، با استفاده از روش‌های آزمون-بازآزمون (بازآزمایی) و آلفای کرونباخ بررسی گردید. تکرارپذیری در دفعات آزمون این مقیاس با استفاده از آزمون-بازآزمون نیز مورد محاسبه قرار گرفت، نتایج این تجزیه و تحلیل در جدول ۱ نشان داده شده است. به این صورت که بعد از گذشت ۳۰ روز از اجرا در مرتبه اول، مقیاس برای اجرای مجدد در اختیار ۳۰ نفر از مادران قرار گرفت. نتایج ضرایب آزمون-بازآزمون با استفاده از روش همبستگی پیرسون بین نمرات آزمون اولیه و آزمون مجدد در

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ و آزمون-بازآزمون برای هر دو جنس و کل گروه نمونه

شاخص‌ها	پسران		دختران		کل گروه نمونه	
	آلفا	بازآزمایی	آلفا	بازآزمایی	آلفا	بازآزمایی
سبک آماده‌سازی هیجانی	۰/۸۵	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۸۶	۰/۸۹
سبک طردکننده هیجانی	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۸۷	۰/۹۳	۰/۸۸	۰/۹۰

تحلیل عامل اکتشافی

در بررسی اصلی ارزیابی تحلیل عامل، از روش تحلیل عاملی استفاده گردید. ملاک استخراج عوامل شیب نمودار اسکری^۱ و ارزش ویژه بالاتر از یک بود که با روش چرخش واریماکس مورد سنجش قرار گرفتند. برای ارزیابی مناسب بودن اندازه نمونه (۴۰۰ نفر) از آزمون کفایت کایزر-میر - اوکلین (KMO)^۲ و آزمون کرویت بارتلت^۳ استفاده شد. آزمون کایزر-میر-اوکلین (KMO) برابر با ۰/۷۸ و در سطح مطلوب و رضایت‌بخش به‌دست آمد و نتیجه آزمون کرویت بارتلت نیز از نظر آماری معنادار بود ($P < 0/001$, $\chi^2 = 856/568$, $df = 32$). برای تعیین تعداد عامل‌ها از ملاک ارزش‌های ویژه^۴ بالاتر از یک و نمودار اسکری استفاده شد. نتایج نشان داد که این مقیاس دو عامل دارد که در مجموع ۴۵/۴۴ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کند. عوامل تشکیل‌دهنده مقیاس به این شرح است:

۱- سبک آماده‌سازی هیجانی (۷ گویه)؛ بار عاملی به‌دست آمده برای این مؤلفه در دامنه‌ای بین ۰/۵۷ تا ۰/۸۱ بود که در مجموع ۲۵/۰۷ درصد از واریانس مقیاس را تبیین می‌کرد.
 ۲- سبک طردکننده هیجانی (۷ گویه)؛ بار عاملی به‌دست آمده برای این مؤلفه در دامنه‌ای بین ۰/۵۱ تا ۰/۷۴ بود که در مجموع ۲۰/۳۷ درصد از واریانس مقیاس را تبیین می‌کرد.

تحلیل عامل تأییدی

در پژوهش حاضر تحلیل عامل تأییدی برای برآزش مدل دوعاملی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه (MESQ) با استفاده از نسخه ۱۶ نرم‌افزار AMOS مورد بررسی قرار گرفت. مدل اولی که مورد بررسی قرار گرفت، مدل تک عاملی بود. در مدل دوعاملی ۷ پرسش‌گویای سبک آماده‌سازی هیجانی و ۷ پرسش دیگر مربوط به سبک طردکننده هیجانی است.

1. scree plot

2. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling (KMO)

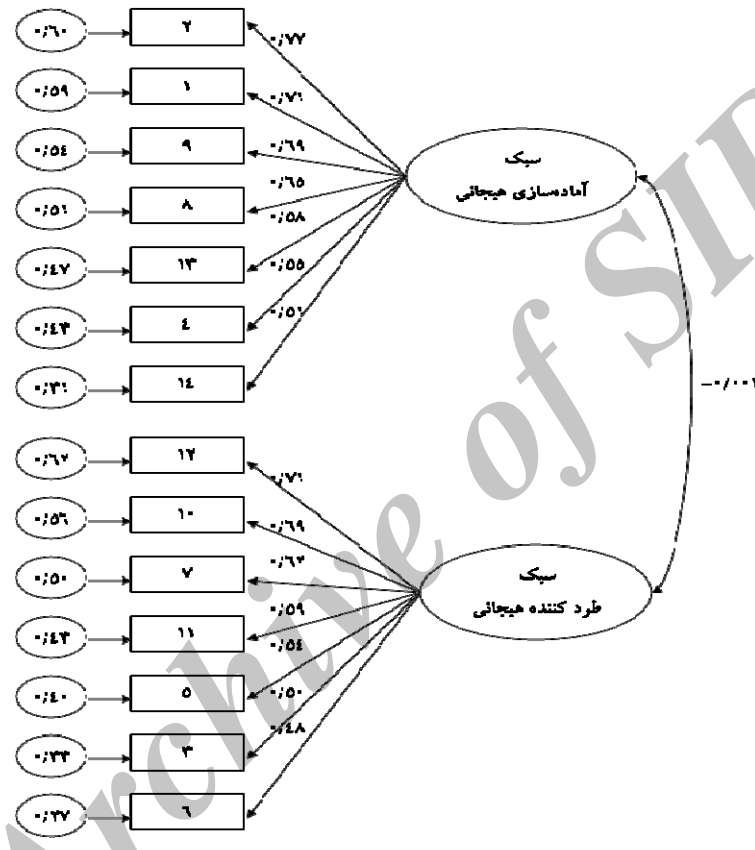
3. Barlett's Test of Sphericity

4. eigenvalues

جدول ۲- شاخص‌های نیکویی برازش مدل تک‌عاملی و دوعاملی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه

مدل	χ^2	Df	χ^2/df	$\Delta \chi^2$	Δdf	GFI	CFI	IFI	RMSEA
تک‌عاملی	۳۹۵/۷۱*	۱۰۵	۳/۹۶	-	-	۰/۸۶	۰/۸۷	۰/۸۶	۰/۰۹
دوعاملی	۳۳۲/۸۶*	۱۰۲	۳/۱۶	۶۸/۸۷*	۱	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۰۶

* $P < 0/001$



نمودار ۱- نتایج تحلیل عامل تأییدی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه

تک‌عاملی بهتر است. شاخص‌های نیکویی برازش و برازندگی مقایسه‌ای ۰/۹۷، شاخص برازندگی فزاینده ۰/۹۶ و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب برابر با ۰/۰۶ است. هو و بنتلر^۱ (۱۹۹۹) پیشنهاد می‌کنند زمانی که میزان CFI، GFI و IFI بزرگتر از ۰/۹۵ و RMSEA کوچکتر از ۰/۰۸ باشد، نشان‌دهنده برازش مناسب و کافی مدل است. بنابراین با توجه به نتایج تحلیل عامل تأییدی می‌توان نتیجه گرفت که ساختار

چنانکه از نتایج جدول ۲ مشاهده می‌شود، شاخص‌های برازش مدل تک‌عاملی در حد مناسبی نیست. شاخص‌های نیکویی برازش^۱ (GFI) ۰/۸۶، جذر میانگین مجذورات خطای تقریب^۲ (RMSEA) ۰/۰۹، شاخص برازندگی فزاینده^۳ (IFI) ۰/۸۶ و شاخص برازندگی مقایسه‌ای^۴ (CFI) ۰/۸۷ است. اما مدل دوعاملی موجب معناداری شاخص‌های برازندگی شده است. شاخص‌های برازش مدل دوعاملی نسبت به مدل

1. Goodness of Fit Index (GFI)
3. Incremental Fit Index (IFI)
5. Hu & Bentler

2. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
4. Comparative Fit Index (CFI)

نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، در گروه دختران، پسران و کل گروه نمونه بین مؤلفه سبک آماده‌سازی هیجانی با رفتارهای مطلوب اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما بین سبک آماده‌سازی هیجانی و مؤلفه‌های مشکلات رابطه‌ای وجود ندارد، بین سبک پردکننده هیجانی و مؤلفه‌های مشکلات رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد، اما بین سبک پردکننده هیجانی با رفتارهای مطلوب اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد. همچنین بین سبک پردکننده هیجانی با مؤلفه‌های مشکلات سلوک و بیش‌فعالی همبستگی مثبت - هر چند غیرمعنادار - وجود دارد.

مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه (MESQ) در بین مادران دو عامل است [$\Delta \chi^2 (1) = 68/87, P < 0/001$]. در نمودار ۱، بارهای عاملی و میزان خطای گویه‌های هر یک از عوامل ارائه شده است. دامنه بارهای عاملی گویه‌ها روی عامل اول (سبک آماده‌سازی هیجانی) بین ۰/۵۱ تا ۰/۷۷ و روی عامل دوم (سبک پردکننده هیجانی) بین ۰/۴۸ تا ۰/۷۱ است که تمامی بارهای عاملی از لحاظ آماری معنادار هستند ($P < 0/01$). برای تعیین روایی سازه مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه (MESQ)، میزان همبستگی نمرات به دست آمده این مقیاس با پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات (SDQ) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- ضرایب همبستگی بین مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه با پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات

شاخص‌ها	پسران		دختران		کل گروه نمونه	
	آماده‌سازی هیجانی	پردکننده هیجانی	آماده‌سازی هیجانی	پردکننده هیجانی	آماده‌سازی هیجانی	پردکننده هیجانی
علایم هیجانی	-۰/۰۱۴	۰/۱۲*	-۰/۰۳۵	۰/۱۷**	-۰/۰۲۶	۰/۱۴*
مشکلات سلوک	-۰/۰۱۰	۰/۱۵	-۰/۰۱۷	۰/۱۶	-۰/۰۱۳	۰/۱۳
بیش‌فعالی	-۰/۰۱۶	۰/۱۰	-۰/۰۲۳	۰/۱۳	-۰/۰۱۹	۰/۱۱
مشکلات ارتباطی با همسالان	-۰/۰۲۱	۰/۱۸*	-۰/۰۱۱	۰/۱۵*	-۰/۰۱۵	۰/۱۲*
رفتارهای مطلوب اجتماعی	۰/۳۶**	-۰/۰۱۳	۰/۲۸*	۰/۲۲	۰/۳۱*	۰/۱۵
مشکلات کلی	-۰/۰۱۱	۰/۱۶*	-۰/۰۱۹	۰/۲۰*	-۰/۰۱۶	۰/۱۸*

** $P < 0/01$ * $P < 0/05$

پژوهش حاضر با مطالعه سازندگان مقیاس همسو و هم‌جهت است (لاگاسه - سگوین و کاپلان، ۲۰۰۵). این یافته پژوهش، نشان‌دهنده ثبات و همسانی بین فرهنگی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه است.

نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان داد که ساختار دو عاملی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه شامل عامل‌های سبک آماده‌سازی هیجانی و سبک پردکننده هیجانی در بین مادران دارای برآزش بهتری نسبت به مدل تک‌عاملی است. به عبارتی برآزش آماری نظری با داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی - تأییدی نشان می‌دهد که مدل دو عاملی برآزش بهتری در مقایسه با مدل تک‌عاملی دارد.

ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه با پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرایی مقیاس بود. نتایج این بررسی با مطالعات

بحث

نقش و اهمیت مادر در زندگی کودکان، دلیل واضح دستیابی به ابزاری مناسب در سنجش و بررسی سبک‌های هیجانی مادرانه است. بدیهی است داشتن ابزار مناسب اولین گام در شناسایی عوامل مؤثر و برنامه‌ریزی برای آموزش شیوه‌های مناسب برخورد با فرزندان است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که مقدار ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس ۱۴ ماده‌ای سبک‌های هیجانی مادرانه در عامل‌های اول و دوم قابل قبول است که نشان‌دهنده هماهنگی درونی این مقیاس است. نتایج بررسی آزمون - بازآزمون برای مقیاس به فاصله یک ماه مطلوب و رضایت‌بخش بود که گویای ثبات نتایج در طول زمان است. ارزیابی تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که این مقیاس دو عامل دارد و در مجموع ۴۵/۴۴ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کند. نتایج

بحث و بررسی در رابطه با این متغیرها نیازمند بررسی بسیار دقیق و گسترده متون پژوهشی است، بنابراین در این پژوهش به این امر پرداخته نشد. در پایان پیشنهاد می‌شود در بررسی‌های آتی ویژگی‌های این مقیاس با جمعیت‌های گوناگون و با بهره‌گیری از یافته‌های به‌دست آمده از ارزیابی سلامت روانی مادر، بافت خانواده، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مادر- فرزند و نحوه تعامل کودک با عوامل گفته شده مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ترک‌لادانی، ف. ملک‌پور، م. و گلپور، م. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی مادران بر کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان سوم تا پنجم ابتدایی. *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، شماره ۳۷، ص ۸۲-۶۵.
- تهرانی‌دوست، م. شهریور، ز. پاکباز، ب. رضایی، آ. و احمدی، ف. (۱۳۸۵). روایی نسخه فارسی توانایی و مشکلات (SDQ). *مجله تازه‌های علوم‌شناختی*، سال هشتم، شماره ۴، ص ۳۹-۳۳.
- قره‌باغی، ف. و آگیلار-وفایی، م. (۱۳۸۸). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال پانزدهم، شماره ۳، ص ۲۴۱-۲۳۱.
- Adams, S., Kuebli, J., Boyle, P.A., & Fivush, R. (1995). Gender differences in parent-child conversations about past emotions: A longitudinal investigation. *Sex Roles*, 33, 390-323.
- Bowlby, J. (1982). Attachment and loss. Vol. I. Attachment (2nd ed.) New York: Basic Books. (Original work published 1969.)
- Brophy-Herb, H.E., Schiffman, R.F., London Bocknek, E., Dupuis, S.B., Fitzgerald, E.B., Horodyski, M., Van Egeren, L.A., & Hillaker, B. (2011). Toddlers' Social-emotional Competence in the Contexts of Maternal Emotion Socialization and Contingent Responsiveness in a Low-income Sample. *Social Development*, 20 (1), 73-92.
- Denham, S. (1998). *Emotional Development in Young Children*. New York: Guilford Press.
- Dunsmore, J.C., Her, P., Halberstadt, A.G., & Perez-Rivera, M.G. (2009). Parents' Beliefs about Emotions and Children's Recognition of Parents' Emotions. *Journal of Nonverbal Behavior*, 1; 33(2): 121-140.
- Fainsilber-Katz, L., Gottman, J., Hooven, C. (1996). Meta-emotion philosophy and family functioning: Reply to P. Cowan and N. Eisenberg (1996). Meta thoughts on the role of meta-emotions in children's development. Comment on Gottman et al. (1996). *Journal of Family Psychology*, 10, 284-291.

ایزارد و همکاران (۲۰۰۲)، ریور (۲۰۰۴)، لاگاسه - سگوین و کاپلان (۲۰۰۵)، هافمن، سرنیک و بیکر (۲۰۰۶)، لاگاسه - سگوین و د'انتریمونت (۲۰۰۶)، ورهون و همکاران (۲۰۰۷)، دونسموری، هر، هالبرستادت و پریرز-ریورا (۲۰۰۹)، بروفی-هرب و همکاران (۲۰۱۱) همسو و هم‌جهت است. با توجه به اینکه ضرایب همبستگی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه با پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات در حد بالایی به‌دست نیامده است، در این رابطه می‌توان به این نکته اشاره کرد که سبک‌های هیجانی والدین تحت تأثیر عوامل متعدد دیگری مانند هیجانان مادر، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ساختار خانواده و... است.

در خلال دهه‌های گذشته پژوهشگران سعی در شناخت عواملی داشته‌اند که بر پیوند مادر- کودک مؤثر بوده و آن را هدایت و راهنمایی می‌کند. در این میان آنچه خودنمایی می‌کند هیجانان و و بازخوردهای مادر به‌عنوان مراقبت‌کننده اصلی است (ریز، ۲۰۰۸). لاگاسه - سگوین و کاپلان (۲۰۰۵)، لاگاسه - سگوین و د'انتریمونت (۲۰۰۶)، ورهون و همکاران (۲۰۰۷)، دونسموری، هر، هالبرستادت و پریرز-ریورا (۲۰۰۹)، بروفی - هر ب و همکاران (۲۰۱۱) تأکید دارند، هیجانان مادر تأثیر چشمگیری در رشد و تحول کودک دارد.

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که نسخه فارسی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه (MESQ) به‌عنوان یک پرسشنامه مرتبط و قابل قبول همراه با تکرارپذیری و اعتبار بالا برای سنجش سبک‌های هیجانی مادرانه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این مقیاس دارای همخوانی درونی در دامنه قابل قبول، تکرارپذیری در دفعات آزمون مناسب و هم‌ساختار با خود است. به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده ارزش معنادار این مقیاس برای استفاده از آن در پژوهش‌های آتی است. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن گروه نمونه مادران در مقطع دبستان و بررسی در یک نمونه غیربالینی و بهنجار اشاره کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود ویژگی‌های این مقیاس در پژوهش‌های بعدی در دیگر گروه‌ها از جمله مادران با فرزند پیش‌دبستانی و مادران با فرزند دارای نیازهای ویژه نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

لازم به ذکر است، هدف از پژوهش حاضر اعتباریابی مقیاس سبک‌های هیجانی مادرانه بود، بنابراین در این پژوهش به بررسی روایی و پایایی این مقیاس پرداخته شد. با توجه به اینکه براساس تحقیقات انجام شده ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مادر - کودک بر روی سبک‌های هیجانی مادرانه تأثیر می‌گذارد،

- Fivush, R. (1991). Gender and emotion in mother-child conversations about the past. *Journal of Narrative and Life History*, 1, 325-341.
- Flannagan, D., Baker-Ward, L., & Graham, L. (1995). Talk about preschool: Patterns of topic discussion and elaboration related to gender and ethnicity. *Sex Roles*, 32, 1-15.
- Flannagan, D., & Perese, S. (1998). Emotional References in Mother- Daughter and Mother-Son Dyads' Conversations About School. *Sex Roles*, 39(5/6), 353-367.
- Ghanizadeh, A., Izadpanah, A. (2007). Scale Validation of the Strengths and Difficulties Questionnaire in Iranian Children. *Iranian Journal of Psychiatry*, 2(2), 65-71.
- Goodman R. (1997). The Strengths and Difficulties Questionnaire: A research note. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 38: 581-586.
- Gottman, J., Fainsilber-Katz, L., Hooven, C. (1996). Parental meta-emotion philosophy and the emotional life of families: Theoretical models and preliminary data. *Journal of Family Psychology*, 10, 243-268.
- Gottman, J., Fainsilber-Katz, L., Hooven, C. (1997). *Meta-emotion: How Families Communicate Emotionally*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Gottman, J., Declaire, J. (1997). *Raising an Emotionally Intelligent Child: The Heart of Parenting*. New York: Fireside.
- Havighurst, S.S., Wilson, K.R., Harley, A.E., Prior, M.R., Kehoe, C. (2010). Tuning in to Kids: improving emotion socialization practices in parents of preschool children-findings from a community trial. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 38, 88-98.
- Hoffman, C., Crnic, K.A., & Baker, J.K. (2006). Maternal depression and parenting: Implications for children's emergent emotion regulation and behavioral functioning. *Parenting: Science and Practice*, 6(4), 271-295.
- Hooven, C., Gottman, J., Fainsilber-Katz, L. (1995). Parental meta-emotion structure predicts family and child outcomes. *Cognition and Emotion*, 9, 229-264.
- Hu, L., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6, 1-55.
- Izard, C.E., Fine, S., Mostow, A., Trentacosta, C., & Campbell, J. (2002). Emotion processes in normal and abnormal development and preventive intervention. *Development and Psychopathology*, 14(4), 761-787.
- Lagacé-Séguin, D.G., Coplan, R.J. (2005). Maternal Emotional Styles and Child Social Adjustment: Assessment, Correlates, Outcomes and Goodness of Fit in Early Childhood. *Journal of Social Development*, 14(4), 613-646.
- Lagacé-Séguin, D.G. & d'Entremont, M-R.L. (2006). The role of child negative affect in the relations between parenting styles and play. *Early Child Development and Care*, 176(5), 461-477.
- Lagacé-Séguin, D. G. & d'Entremont, M-R. L. (2006). Less than optimal parenting strategies predict maternal low-level depression beyond that of child transgressions. *Early Child Development*, 176 (3 & 4), 343-355.
- Lagacé-Séguin, D.G. & Gionet, A. (2009). Parental Meta-Emotion and Temperament Predict Coping Skills in Early Adolescence. *International Journal of Adolescence and Youth*, 14, 367-382.
- Ramsden, S.R., Hubbard, J.A. (2002). Family expressiveness and parental emotion coaching: Their role in children's emotion regulation and aggression. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 30, 657-667.
- Raver, C.C. (2004). Placing emotional self-regulation in socio-cultural and socioeconomic contexts. *Child Development*, 75(2), 346-353.
- Rothbart, M. (1996). *Child Behavior Questionnaire*. Eugene, OR: University of Oregon.
- Rees, C. (2008). Children's attachments. *Pediatrics & child health*, 18(5), 219-226.
- Verhoeven, M., Junger, M., van Aken, C., Dekovic, M., & van Aken, M. (2007). Parenting during toddlerhood: Contributions of parental, contextual, and child characteristics. *Journal of Family Issues*, 28(12), 1663-1691.